

باشه

عاشقتم تا همیشه ولنتاین مبارک

نمیگم دوستت دارم

نمیگم عاشقتم

میگم دیونتم که اگه یه روز ناراحتت کردم بگی بیخیال دیونست

قلب مهربانت مثلثی را می ماند در دریای عشق

مرا در خود کشیدی برمودای من !!!

ای دوست به جز عشق تو در سر من هوسی نیست

جز نقش تو بر صفحه ی دل نقش کسی نیست

بهترین لحظه، لحظه ایست که فکر کنی فراموشت کردم، بعد ۱ اس ام اس از طرف من بیاد که توش نوشته

میمیرم برات !

ولنتاین مبارک !

یادته بهت گفتم که خشت دیوار دلتم، تو هم منو شکستی

ولی اشکالی نداره، حالا خاک زیر پاتم !

با تو از خاطره ها سرشارم. با تو تا آخر شب بیدارم . عشق من دست تو یعنی خورشید. گرمی دست تو را کم

دارم . . .

قاب عکستو زدم جای ساعت دیواری

از اون موقع به بعد تو شدی تمومه لحظه هام . . .

عمری با غم عشقت نشستم

به تو پیوستم واز خود گسستم

ولیکن سرنوشتم این سه حرف بود

تو را دیدم. پرستیدم . شکستم

زندگی عشق است افسانه نیست آنکه عشق را آفرید دیوانه نیست

من به دو چیز عشق می ورزم یکی تو و دیگری وجود تو، به دو چیز اعتقاد دارم یکی خدا و دیگری تو، من در این دنیا دو چیز میخوام یکی تو و دیگری خوشبختی تو.

زندگی آرام است، مثل آرامش یک خواب بلند.
زندگی شیرین است، مثل شیرینی یک روز قشنگ.
زندگی رویایی است، مثل رویای یکی کودک ناز.
زندگی زیبایی است، مثل زیبایی یک غنچه ی باز.
زندگی تک تک این ساعتهاست، زندگی چرخش این عقربه هاست، زندگی راز دل مادر من. زندگی پینه ی دست پدر است، زندگی مثل زمان در گذر...

هر کی اومد پیش من به ذره جاتو نگرفت... هیچ ادایی جای اون نازو اداتو نگرفت... پیش هر نقاشی رفتم تو رو نقاشی کنه، روی هر بومی زدم رنگ چشاتو نگرفت...

میدونی آدما بین الف تا ی قرار دارند. بعضی ها مثل " ب " برات میمیرند، مثل " د " دوستت دارند، مثل " ع " عاشقت میشوند، مثل " م " منتظر می موندن تا به روز مثل " ی " یارت بشن.

حرفهایی هست برای نگفتن و ارزش عمیق هر کسی به اندازه ی حرفهایی است که برای نگفتن دارد و کتاب هایی نیز هست برای نوشتن و من اکنون رسیده ام به آغاز چنین کتابی...

مهم نیست ولتاین یا سپندار مذگان

هر دوبهانه اند برای اینکه به تو بگویم

بی بهانه دوستت دارم

شبی از شبها تو به من گفتی که شب باش: من که شب بودم و شب هستم و شب خواهم بود به امیدی که تو فانوس

شب من باشی

مهر به چیزیه مهربونی به چیز دیگه، عشق به چیزیه عاشق شدن به چیز دیگه، قلب و دل به چیزیه اما توی قلب تو جا شدن به چیز دیگه

آسمونتم می توانی همیشه بارونو تو چشمم ببینی. زمین مال زمین خوارها، فضا مال فضا پیمایا، فقط تو مال من

همه زندگی فقط ۳روزه : اومدن - بودن - رفتن . من خودم نخواستم پیام ولی خودم می خوام که باشم اونم فقط به خاطر تو وقتی هم که دیگه نباشی منم میرم

زندگی زیباست زشتی‌های آن تقصیر ماست، در مسیرش هرچه نازیباست آن تدبیر ماست! زندگی آب روانی است روان می‌گذرد... آنچه تقدیر من و توست همان می‌گذرد

مبادا گفته باشی دوستت می دارم دلت را می بویم مبادا شعله ای در آن نهان باشد

گفتی که دنیا را پر از غم دوست داری پس مطمئن هستم مرا هم دوست داری گفتی نمیخواهی بیارم عشق اما شعر غریبی را که گفتم دوست داری

باز در کلبه ی عشق عکس تو مرا ابری کرد.عکس تو خنده به لب داشت ولی اشک چشم مرا جاری کرد

دبیر فارسی بودم نامت را اولین غزل از صفحه کتابها می نهادم اگر دبیر جبر بودم عشق مجهول تو را بر قلب معلوم خودم بخش میکردم تا معادله محبت پدید آید اگر دبیر هندسه بودم ثابت می کردم که شعاع نگاهت چگونه از مرکز قلبم گذشت

روز اول شوخی شوخی جدی شد شوخی ترین جدی عمرم دوست داشتن تو بود و جدی ترین شوخی عمرم از دست دادن تو

من بی تو یک بوسه ی فراموش شده ام؛ یک شعر پر از غلط؛ یک پرنده ی بی آسمان؛ یک نسیم سرگردان؛ یک رویای نا تمام

آنشی که عشق روشن می کند بسیار بیشتر از سردی و خاموشی ای است که تنفر به بار می آورد
و من هرگز نمی توانم کسی را که به او لبخند زده ام از ته دل دوست داشته باشم

[Admin](#) می نویسد | یکشنبه، 18 بهمن، 1388